

جستاری در رابطه آموزش زبان فارسی با فرهنگ و ادبیات

زکيه رشيدآبادي^۱

دکتر غلامحسین غلامحسین زاده^۲

چکیده:

زبان و ادبیات هر ملت، انعکاسی از فرهنگ و آیین و آداب و رسوم آن ملت است. برای شناخت هرچه بهتر تمدن و فرهنگ آن ملت، آگاهی از ویژگی‌های ادبی و زبانی آن ضروری می‌نماید. بدون شک، زبان و ادبیات فارسی، به‌مثابه یکی از غنی‌ترین و پرمغزترین ادبیات‌های جهان شناخته شده است؛ بنابراین آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان، برای آشنایی با فرهنگ و ادب پارسی، اجتناب‌ناپذیر است. بررسی این‌که نقش زبان به عنوان ابزار انتقال فرهنگ چیست؟ جایگاه ادبیات در آموزش زبان کجاست؟ آموزش ادبیات در چه مرحله ای از آموزش زبان باید صورت گیرد؟ از مباحثی بوده که نگارندگان این مقاله به بررسی آن‌ها پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد، زبان‌شناسان آموزش زبان را به ۵ مرحله تقسیم کرده‌اند: مرحله آغاز زبان آموزی، مرحله آموزش زبان نوشتاری معاصر، آشنایی با متون برگزیده ادبی، بررسی واقعیات تمدن از لابه لای متون و در پایان آشنایی با سبک‌های ادبی زبان صورت می‌پذیرد.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، زبان آموزش زبان، ادبیات، مراحل آموزش

مقدمه:

با توجه به رابطه تنگاتنگ زبان و سنت‌های فرهنگی، از قرن نوزدهم علاوه بر آموزش زبان بر آموزش فرهنگ هم تاکید شد. همان‌طور که می‌دانیم نگرش افراد جامعه از فرهنگ آن جامعه ناشی می‌شود؛ بنابراین زبان و فرهنگ هر قوم رابطه مستقیمی با هم دارند و با مطالعه دقیق هر زبانی می‌توان به ژرف ساخت سخن پی برد و به آداب، رسوم، طرز فکر و اندیشه و خلاصه آن چه تحت عنوان فرهنگ یک قوم مورد بررسی قرار می‌گیرد، دسترسی پیدا کرد.

زبان هر قوم پیوندهای عمیقی با فرهنگ آن قوم دارد. به شکلی که اگر فرهنگ قومی به هر دلیل تغییر کند، در زبان آن قوم نیز تغییرات اساسی و بنیادی حاصل خواهد شد. همان‌گونه که در دوران اسلامی، فرهنگ و ادب و هنر ایران چهره تازه‌ای به خود گرفت و بعد از سه قرن توسعه و نفوذ زبان عربی، اعتبار دوباره خود را باز یافت. به طوری که در زمان اندکی زبان و فرهنگ ایرانی در سراسر قلمرو اسلام و حتی جنوب غربی اروپا گسترش یافت. در پی توسعه زبان و فرهنگ ایرانی انجمن‌های خاورشناسی و انستیتوهای مطالعات شرقی تاسیس شد و نیز انجمن‌هایی برای مطالعه فرهنگ غنی ایرانی در کشورهای اروپایی و آمریکایی بنیان نهاده شد.

با توجه به موارد یاد شده، بسیاری از افراد در سراسر جهان به زبان فارسی گرایش یافتند. بر این اساس و در پی رابطه متقابل زبان و فرهنگ شناخت عوامل فرهنگی در آموزش زبان مورد توجه واقع گردید. این رابطه به قدری

^۱ - دانشجوی دکتری تخصصی زبان و ادبیات فارسی، واحد علوم تحقیقات تهران ایران، zakhirashidabadi@yahoo.com

^۲ - دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

اهمیت دارد که روانشناسان حفظ فرهنگ و انتقال آن را از مهم ترین وظایف زبان می دانند. "آلپوت" روان شناس معروف، در باره وظایف زبان گفته است: "زبان، میراث فرهنگی و آداب و رسوم را در نسل ها حفظ می کند." (شعاری نژاد، ۱۳۵۴: ۴۸۳) آثار متعددی که از پیشینه زبان فارسی به یادگار مانده است - اعم از کتبی و شفاهی یا عادی و ادبی - همه و همه بیانگر نگرش ها و بینش ها و نهایتاً فرهنگ مردم این مرزو بوم است.

آن چه در این پژوهش به آن پرداخته می شود بررسی این که نقش زبان به عنوان ابزار انتقال فرهنگ چیست؟ جایگاه ادبیات در آموزش زبان کجاست؟ آموزش ادبیات در چه مرحله ای از آموزش زبان باید صورت گیرد؟ نتایج نشان می دهد، زبان شناسان آموزش زبان را به ۵ مرحله تقسیم کرده اند: مرحله آغاز زبان آموزی، مرحله آموزش زبان نوشتاری معاصر، آشنایی با متون برگزیده ادبی، بررسی واقعیات تمدن از لابه لای متون و در پایان آشنایی با سبک های ادبی زبان صورت می پذیرد.

بررسی پیشینه پژوهش نشان می دهد که با توجه به کمبود پژوهش در باره آموزش زبان فارسی با فرهنگ و ادبیات تحقیق حاضر به این امر اختصاص یافته است.

نقش زبان به عنوان "تکیه گاه فرهنگی و تجلی گاه ادبی و هنری"



زبان یک قوم مظهر فرهنگ آن قوم است. البته این سخن بدان معنا نیست که همه مظاهر و جلوه های فرهنگی تنها در زبان متجلی می گردد بلکه نخست فرهنگ هرملتی در درون تمام رفتارهای آن ملت، شیوه زندگی، رفتار افراد، آداب و رسوم، شیوه مبارزه آن ملت با طبیعت و بهره برداری از عناصر طبیعی جلوه گر می شود. با این تعریف فرهنگ یک قوم، بیانگر جوانب مختلف توسعه علمی و فنی پیشرفتهای صنعتی و نیز تکامل حیات معنوی آن قوم می باشد. منظور از حیات معنوی آن قسمت از فعالیت های بشری است که خارج از گرایش های مادی زندگی است. این فعالیت ها کلیه آثار و ارزشها و خلاقیت های هنری، مذهبی و ماوراطبیعی را شامل می شود. حال سوال این است که نقش زبان در این موارد چیست؟

نقش زبان در این موارد دارای دو جنبه است:

۱- رابطه زبان با فکر به اعتبار این که فکر ایجاد کننده و خمیر مایه هستی یک اثر است.

۲- نقش زبان به عنوان ابزار انتقال فرهنگ.

در باره نقش اول علمای روانشناس معتقدند که فکر و زبان با هم رابطه نزدیکی دارند و در این ارتباط زبان بر فکر تاثیر می گذارد. عده ای اعتقاد دارند که زبان های متفاوت، دنیا را به شیوه های متفاوت منعکس و بازگو می کنند. "انسان زبان مادری را در دوران کودکی فرا می گیرد و در نتیجه تر همان دوران کودکی دنیا را از درون منشور

زبان مادری خود می بیند. (کوندرا تاف، ۱۳۶۳: ۷۲) ورف زبان شناس روسی طرفدار این نظریه است و می گوید "ذهنیت و رفتار افراد بستگی به زبان آن ها دارد." (همان، ۷۴)

زبان نقش دوم (انتقال فرهنگ) را به دو طریق ایفا می کند:

۱) وسیله ای است برای آگاهی از فرهنگ گذشته

فرهنگ مجموعه به هم بافته ای است از دانش، اعتقادات، هنر، اخلاق، آداب و هر قابلیت و عادتتی که به عنوان یک عضو جامعه کسب می کنیم. فرهنگ مظهر نحوه تطبیق انسان با محیط خود است. با توجه به شباهت هایی که در طبیعت وجود دارد در فرهنگ ها نیز اشتراکات فراوانی می یابیم. زبان و ادبیات یک کشور بیگانه احتمالاً از بهترین وسایل درک فرهنگ آن جامعه به شمار می رود. (فینوکیارو^۱، ۱۹۷۳: ۵۸)

فرهنگ هر ملتی در حکم آینه تمام نمای افکار و عقاید، اخلاق و آداب و رسوم و هم چنین تحول فکری آن ملت در طول زمان است. ایران به واسطه قدمتی که دارد، دارای سوابق فرهنگی بسیار کهن و آثاری است که هم ارزش علمی دارند و هم از جهت فلسفی بسیار ارزشمند هستند.



۲) انتقال فرهنگ حاضر

از طرف دیگر زبان از مهمترین و اساسی ترین وسایل پیدایش و گسترش تمدن و فرهنگ می باشد زیرا به وسیله زبان است که می توان علوم و فنون و آداب و رسوم را از نسلی به نسل دیگر انتقال داد. تحصیل هر علمی بر عامل زبان مبتنی است. به همین سبب زبان آموزی پایه آموختن علوم و فنون است. در آموزش هرگونه علم و فن ابتدا سعی می کنند که داوطلبان را با زبان آن رشته (اصطلاحات موجود در رشته خاص) آشنا کنند تا یادگیری به سرعت و سهولت انجام گیرد.

در سطح مبتدی زبان آموز ابتدا با گونه گفتاری زبان آشنایی می یابد و سپس طی مراحل به مطالعه و یادگیری به صورت مکتوب گفتار و صورت نوشتاری متون متناسب برای سطح مبتدی می پردازد و پس از آن به تدریج با سطوح میانی، پیشرفته و عالی زبان آشنا می شود. (ژیرار، ۱۳۶۵: ۸۲)

همچنین یکی از وظایف اجتماعی که برای زبان قائل شده اند این است که "زبان میراث فرهنگی و آداب و رسوم اجتماعی را در نسلهای حفظ می کند" از همه این ها گذشته زبان وسیله ای است که انسان خود و وضعیت فرهنگی خویش را ابزار می کند. دلایل زیادی وجود دارد که می توانیم بگوییم زبان وسیله ای برای (ابراز) شخصیت است یعنی انسان وقتی حرف می زند نه تنها جهان خارج را روشن می کند، بلکه در ضمن محتوی و شکل کلامش خود را نیز نشان می دهد:



عیب و هنرش نهفته باشد (سعدی)

تا مرد سخن نگفته باشد

رابطه زبان و ادبیات

آنچه در این مبحث مطرح خواهد شد پاسخ این سوالات است که جایگاه ادبیات در آموزش زبان کجاست؟ یعنی آموزش ادبیات در چه مرحله ای از آموزش زبان باید آغاز گردد؟ آموزش متون ادبی دارای چه مراحل است؟ ویژگیهای متن های ادبی که باید برای آموزش انتخاب شود چه باید باشد؟

ادبیات یکی از شایع ترین و عام ترین وسایل انتقال فرهنگی است که به دو صورت شفاهی و مکتوب تجلی می کند؛ اما تمام زبان نیست. زیرا زبان در دوره های مختلف به صور گوناگون به کار می رود و این انواع باید از هم

¹ -M.Finocchiaro

شناخته شود. (وان الس، ۱۳۷۲: ۸۶) پس زبان علاوه بر نقش ارتباطی یعنی نقش اصلی خود، دارای یک نقش فرعی است و آن نقش ادبی آن است. یعنی انسان از طریق زبان ادبی ایجاد ارتباط می کند. فرق ارتباط زبانی و ارتباط ادبی در آن است که "در ارتباط زبانی تمام پیام قابل فهم است. اما صد در صد یک پیام ادبی قابل درک نیست زیرا که در یک قطعه ادبی یا شعر، تعبیری که از جهان خارج می شود جنبه ذهنی و شخصی دارد" (برومند، ۱۳۶۳: ۵) یعنی آن تعبیر از ذهن هنرمند جوشیده بدون اینکه دیگران از مدلول مورد نظر اطلاع دقیقی داشته باشند. به عبارت دیگر در یک پیام ادبی برداشت خواننده یا شنونده لزوماً همان منظور گوینده نیست.

مراحل آموزش زبان و ادبیات

حال که روشن شد که آموزش زبان و ادب باید از هم تفکیک شود باید به این سوال پاسخ داد که: آموزش ادبیات دارای چه مراحل است؟ یعنی آموزش ادبیات در چه مرحله ای از آموزش زبان باید صورت گیرد. کلیه زبان شناسان با جزئی تفاوت قابل چشم پوشی، آموزش زبان را به ۵ مرحله تقسیم کرده اند. در ضمن این تقسیم بندی مراحل آموزش ادبیات نیز بیان می گردد.

۱) مرحله اول یا آغاز زبان آموزی: در این مرحله زبان آموزان به طور کامل بر زبان گفتاری معاصر یا زبان روزمره محاوره ای تسلط می یابند. آنچه در این مرحله به عنوان الگوی زبانی مورد تقلید قرار می گیرد. گفتگوهای زندگی روزمره است. در این مرحله هنوز از آموزش ادبیات خبری نیست. زیرا هنوز تعداد واژگان و جملاتی که زبان آموزان می دانند زیاد نیست.

۲) مرحله دوم: مرحله آموزش زبان نوشتاری معاصر است. زبان نوشتاری که در این مرحله به زبان آموزان تدریس می گردد از راه آوانویسی گفتگوهای روزمره و گزیده هایی از روزنامه ها و در پایان، گزیده هایی ساده از متون ادبی که با سطح سواد زبان آموزان منطبق است آموزش داده می شود. می توان گفت پایان این مرحله نقطه آغاز تدریس ادبیات است. بدین معنی که ادبیات بسیار ساده مانند شعرهای روان و ساده و نثرهای کوتاه را از طریق آموزش زبان وارد کلاس می کنیم مثلاً ۱۰ متن ۳۰۰ کلمه ای آموزش داده می شود. این مرحله، مرحله آشنایی با ادبیات است. برای همین است که انتخاب نوشته ها و متن های ادبی برای این دوره بسیار مهم است. این متن ها باید شامل ترجمه های خوب برای آشنایی با آثار، نحوه تفکر و تربیت دیگر ملتها و نمونه هایی از شاهکارهای ادبی نظم و نثر معاصر به زبان ساده باشد. زیرا که در این دوره منظور پرورش ادیب نیست بلکه منظور آشنا کردن زبان آموزان با مقولات ادبی است.

۳) مرحله سوم: در این مرحله زبان آموزان از طریق متون برگزیده ادبی با ادبیات آشنا می شوند. می توان مرحله دوم را واسطه ای بین مرحله عمومی زبان و مرحله زبان و ادبیات معاصر دانست زیرا گذار از مرحله دوم فهم مرحله ادبی سوم را آسانتر خواهد کرد. تدریس ادبیات که از طریق متون برگزیده ادبی صورت می گیرد به دو شیوه سنتی و جدید می باشد. در شیوه سنتی ابتدا متون ادبی زبان های قدیم تدریس می گردد و به تدریج و همراه با پیشرفت زبان آموزان به ادبیات معاصر می رسد. مطالعه ادبیات در این مرحله، از قرون گذشته به سمت ادبیات معاصر صورت می گیرد. عیب این روش آن است که چون ادبیات زمان های قدیم با زبان معاصر فاصله و تفاوت زیادی دارد همانطوری که قبلاً ذکر شد هم آموزش زبان را کند و هم فهم ادبیات را برای فراگیران مشکل می کند. برای احتراز از این نقص در روش های جدید تاکید بر انتخاب متن های ساده در ابتدای کار است و به تدریج که مهارت و توانایی و تسلط فراگیران بر زبان افزایش می یابد متن های مشکل تر در دستور کار تدریس قرار می گیرد و چون معمولاً ادبیات معاصر به سمت ادبیات قدیم است هرچند که اصل بر انتخاب از متن ساده به متن مشکل می باشد.

۴) مرحله چهارم: در این مرحله زبان آموزان به تدریج با سطوح مختلف زبان (زبان های تخصصی) فنی و علمی آشنا می شوند و شناخت بررسی واقعیات تمدن از لابه لای متونی که مخصوص این مرحله انتخاب شده است انجام می پذیرد. در این مرحله متن های مشکل تر و تخصصی تری برای تدریس انتخاب می گردد.

۵) مرحله پنجم: در این مرحله زبان آموزان به تدریج با سبک های ادبی زبان آشنا می شوند. سبک های مختلفی که اکنون از همدیگر فاصله زیادی گرفته اند. در این مرحله سعی بر آن است که زبان آموزان با تعداد بیشتر عناصر زبانی یعنی کلمات و ترکیب تازه آشنا شوند. این مرحله را می توان مرحله تاکید بر افزایش تعداد واژگانی دانست که زبان آموزان باید بدانند و فراگیرند بر آنها مسلط شوند و در واقع آنها را از آن خود سازند و با یک ابزار بیان شفاهی و یا نوشتاری غنی تر و لطیف تر آشنا گردند.

و در پایان ذکر این نکته نیز خالی از لطف نمی نماید که متون برگزیده ادبی دارای چه ویژگیهایی باید باشد؟ دو ویژگی عمده را در این زمینه می توان نام برد.

۱) متون برگزیده همواره باید بر مبنای محتوای زبانی و فرهنگی و ارزش ادبی و هنری انتخاب شود تا زودتر و بهتر زبان آموزان را به خود جذب نماید. زیرا هرچه ارزش هنری و ادبی آنها بیشتر باشد به همان نسبت جذابتر هم خواهد بود و در نتیجه میل به فراگیری در زبان آموزان بیشتر خواهد شد.

۲) متون برگزیده باید در رابطه با کیفیت های وابسته به زبان آموزان انتخاب شود بدین معنا که باید با سن، محیط اجتماعی، و سواد آموزان متناسب باشد تا بتواند انگیزه های یادگیری را در زبان آموزان برانگیخته و تقویت کند.

نتیجه گیری:

با توجه به این که زبان از مهمترین و اساسی ترین وسایل پیدایش و گسترش تمدن و فرهنگ است، می باید با برنامه ریزی دقیق در سطح مبتدی زبان آموز ابتدا با گونه گفتاری زبان آشنایی یابد و سپس طی مراحل به مطالعه و یادگیری به صورت مکتوب گفتار و صورت نوشتاری متون متناسب برای سطح مبتدی پردازد و پس از آن به تدریج با سطوح میانی، پیشرفته و عالی زبان آشنا شود. آموزش زبان و ادبیات باید به شکلی نظام یافته این موضوع را بررسی کرد. از جمله مطالعه و تحقیق در باره انگیزه زبان آموزان از یادگیری زبان است تا بتوان بر پایه این اطلاعات به برنامه ریزی دقیق پرداخت. پس از گردآوری اطلاعات درباره زبان آموزان، هدف آنان، طول دوره و... می توان چارچوب نظریه ای مناسب با توجه به فرهنگ کشورمان انتخاب کرده و به تهیه مواد درسی و کمک درسی مناسب برای نیل به اهداف مزبور پرداخت.

منابع و مأخذ: www.Animanfarsi.ir

- برومند سعید، جواد. (۱۳۶۳). دگرگونی های واژگان در زبان فارسی، تهران: طوس.
- ژیرار، دنی. (۱۳۶۲). روابط زبان و ادبیات، ترجمه الله وردی آذری نجف آباد، تهران: دانشگاه تهران.
- (۱۳۶۵). زبان شناسی کاربردی و علم آموزش زبان، ترجمه گیتی دیهیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- شعاری نژاد، علی اکبر. (۱۳۵۴). روانشناسی عمومی، تهران: دانشگاه تهران.
- کونداتف، الکساندر. (۱۳۶۳). زبان و زبان شناسی، ترجمه علی صلح جو، تهران: ایران یاد.
- وان ال، تسو و همکاران. (۱۳۷۲). زبان شناسی کاربردی، یادگیری و آموزش زبان های خارجی، ترجمه محمود الیاسی، مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۵۷). مجموعه سخنرانی های هفتمین کنگره تحقیقات ایرانی، تهران: دانشگاه تهران.

--Finocchiaro, M. & M. Bonomo, 1973, The Foreign Language Learn: A Guide for Teachers, New York: Regents Publishing Company, Inc.